



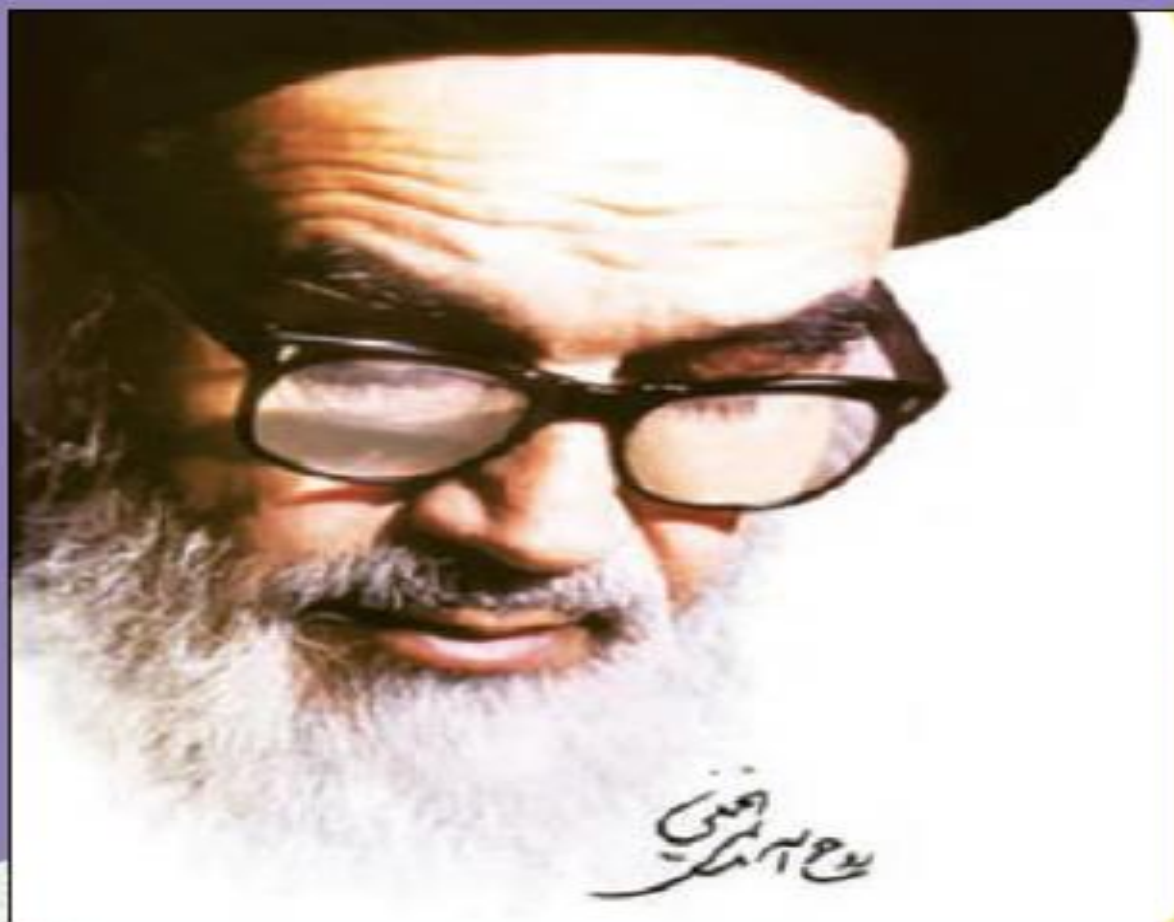
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

عربی، زبان قرآن

پایه هشتم

دوره اول متوسطه





قال الإمام الخميني (قُدس سِرُّه): «اللُّغَةُ الْعَرَبِيَّةُ لُغَةُ الْإِسْلَامِ».

صحيفة امام خميني (قُدس سِرُّه). جلد ١٦. صفحة ٢٢٧

١١	مُراجَعَةُ دُرُوسِ الصَّفِّ السَّابِعِ	الدَّرْسُ الْأَوَّلُ
٢٣	أَهَمِّيَّةُ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ	الدَّرْسُ الثَّانِي
٣٥	مِهْنَتُكَ فِي الْمُسْتَقْبَلِ	الدَّرْسُ الثَّالِثُ
٤٧	التَّجَرِبَةُ الْجَدِيدَةُ	الدَّرْسُ الرَّابِعُ
٦١	الصَّدَاقَةُ	الدَّرْسُ الْخَامِسُ
٧١	فِي السَّفَرِ	الدَّرْسُ السَّادِسُ
٨٥	﴿...أَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةٌ﴾	الدَّرْسُ السَّابِعُ
٩٧	الْإِعْتِمَادُ عَلَى النَّفْسِ	الدَّرْسُ الثَّامِنُ
١٠٩	السَّفَرَةُ الْعِلْمِيَّةُ	الدَّرْسُ التَّاسِعُ
١٢٧	الْمَرَاقِدُ الدِّينِيَّةُ	الدَّرْسُ الْعَاشِرُ

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ؛

أَهْلًا وَ سَهْلًا بِكُمْ فِي الصَّفِّ الثَّامِنِ؛
كَيْفَ حَالُكُمْ؟





الدَّرْسُ الرَّابِعُ



كَانَ حُرْسٌ صَغِيرٌ مَعَ أُمِّهِ فِي قَرْيَةٍ.



غرق شد غرق می‌شود	غَرِقَ يَغْرِقُ	آدمیزاد «ابن: پسر، فرزند»	ابْنُ آدَمَ
خشم	غَضَبَ	پیاده می‌روم، راه می‌روم	أَمْشِي
اسب	فَرَسَ	فقط	إِنَّمَا
نقره	فِضَّةَ	جَزَّ و بحث	جَدَلَ
کار، انجام دادن	فَعَلَ	گناهان، خطاها «مفرد: خَطِيئَةٌ»	خَطَايَا
آینده	قَادِمَ	دید می‌بیند	شَاهِدًا يَشَاهِدُ
منظور	قَصْدَ	ملت	شَعْبَ
گفتار	قَوْلَ	تشکر کرد تشکر می‌کند	شَكَرًا يَشْكُرُ
دروغ گفت دروغ می‌گوید	كَذَبَ يَكْذِبُ	راست گفت راست می‌گوید	صَدَقَ يَصْدُقُ
همچنین	كَذَلِكَ	مهمانی	ضِيَافَةً
دوستاناران	مُحِبِّينَ	خوشا به حال	طَوْبَى لـ
آزمایشگاه	مُخْتَبَرَ	خوب	طَيِّبَ
مهمان دوست	مِضْيَافَ	زندگی کرد زندگی می‌کند	عَاشًا يَعِيشُ
خود «فِي نَفْسِهِ: با خودش»	نَفْسَ		
سود رساند سود می‌رساند	نَفَعَ يَنْفَعُ		

تَفَكَّرُ سَاعَةً خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةٍ سَبْعِينَ سَنَةً.
رَسُولُ اللَّهِ ﷺ



كَانَ **فَرَسٌ** صَغِيرٌ مَعَ أُمِّهِ فِي قَرْيَةٍ.
قَالَتْ أُمُّ الْفَرَسِ لِوَلَدِهَا:
« تَحْنُ نَعِيشُ مَعَ الْإِنْسَانِ وَ تَخْدِمُهُ;
إِذَا أَطْلُبُ مِنْكَ حَمْلَ هَذِهِ الْحَقِيبَةِ
إِلَى الْقَرْيَةِ الْمُجَاوِرَةِ. »
هُوَ يَحْمِلُ الْحَقِيبَةَ وَ يَذْهَبُ إِلَى
الْقَرْيَةِ الْمُجَاوِرَةِ.
فِي طَرِيقِهِ **يُشَاهِدُ** نَهْرًا .
يَخَافُ الْفَرَسُ وَ يَسْأَلُ بَقَرَةً وَاقِفَةً
جَنْبَ النَّهْرِ:
« هَلْ أَقْدِرُ عَلَى الْعُبُورِ؟ »
الْبَقَرَةُ تَقُولُ: « نَعَمْ؛ لَيْسَ النَّهْرُ عَمِيقًا. »

يَسْمَعُ سِنَجَابٌ كَلَامَهُمَا وَ يَقُولُ: « لَا؛ أَيُّهَا الْفَرَسُ الصَّغِيرُ، أَنْتَ سَتَغْرُقُ فِي
الْمَاءِ، هَذَا النَّهْرُ عَمِيقٌ جِدًّا. عَلَيْكَ بِالرُّجُوعِ. أَمْ تَفْهَمُ؟ »
وَلَدُ الْفَرَسِ يَسْمَعُ كَلَامَ الْحَيَوَانَيْنِ وَ يَقُولُ فِي **نَفْسِهِ**:

فَيَرْجِعُ إِلَى وَالِدَتِهِ وَ يَبْحَثُ عَنِ الْحَلِّ.

الْأُمُّ تَسْأَلُهُ: « لِمَاذَا رَجَعْتَ؟! »

يُشْرَحُ الْقَرَسُ الْقِصَّةَ وَ تَسْمَعُ الْأُمُّ كَلَامَهُ. الْأُمُّ تَسْأَلُ وَلَدَهَا:

« مَا هُوَ رَأْيُكَ؟ أَ تَقْدِرُ عَلَى الْعُبُورِ أَمْ لَا؟ مَنْ يَصْدُقُّ؟ وَ مَنْ يَكْذِبُ؟ »

مَا أَجَابَ الْقَرَسُ الصَّغِيرُ عَنْ سُؤْلِهَا ... لَكِنَّهُ قَالَ بَعْدَ دَقِيقَتَيْنِ:

«الْبَقَرَةُ تَصْدُقُ وَ السَّنَجَابُ يَصْدُقُ أَيْضاً. الْبَقَرَةُ كَبِيرَةٌ وَ السَّنَجَابُ صَغِيرٌ. كُلُّ

مِنْهُمَا يَقُولُ رَأْيَهُ. فَهِمْتُ الْمَوْضُوعَ.»

يَفْهَمُ الْقَرَسُ الصَّغِيرُ كَلَامَ أُمِّهِ وَ يَذْهَبُ إِلَى النَّهْرِ وَ يُشَاهِدُ الْبَقَرَةَ وَ

السَّنَجَابَ مَشْغُولَيْنِ بِالْجَدَلِ.

الْبَقَرَةُ: «أَنَا أَصْدُقُ وَ أَنْتَ تَكْذِبُ.»

السَّنَجَابُ: «لَا؛ أَنَا أَصْدُقُ وَ أَنْتِ تَكْذِيبِينَ.»

يَعْبُرُ الْقَرَسُ ذَلِكَ النَّهَرَ بِسُهُولَةٍ؛

ثُمَّ يَرْجِعُ وَ يَقْرَحُ لِلتَّجَرِبَةِ الْجَدِيدَةِ.



التَّجَرُّبَةُ الْجَدِيدَةُ

تجربه جدید

كان: اسبی کوچک با مادرش در روستایی بود.

قالت: مادر اسب به فرزندش گفت:

نحن: ما با انسان زندگی می کنیم و به او خدمت می کنیم.

لذا: بنابراین از تو می خواهیم که این کیف را به روستای همسایه ببری.

هو: او کیف را حمل می کند

يذهب: و به روستای همسایه می رود.

فی: در راهش رودخانه ای را می بیند.

يَخَافُ: اسب می ترسد

و يَسْأَلُ: و از گاوی که کنار رودخانه ایستاده می پرسد :

هَلْ: آیا می توانم عبور کنم؟

الْبَقَرَةُ: گاو می گوید : بله رودخانه عمیق نیست.

يَسْمَعُ: سنجاب سخانشان را می شنود و می گوید :

لا: نه ای اسب کوچک.

أَنْتَ: تو در آب غرق خواهی شد

هذا: این رودخانه بسیار عمیق است.
عَلَيْكَ: تو باید برگردی. آیا می فهمی؟
وَلَدُ الْفَرَسِ: بچه اسب سخن دو حیوان را می شنود
وَيَقُولُ: و با خودش می گوید:
ماذا: ای خدای من چکار کنم؟
فَيَرْجِعُ: پس به سوی مادرش برمی گردد
وَيَبْحَثُ: و دنبال راه حل می گردد.
الْأُمُّ: مادر از او می پرسد: برای چه برگشتی؟
يُشْرَحُ: اسب داشتن را شرح می دهد
وَتَسْمَعُ: و مادر سخنش را می شنود

الأم: مادر از فرزندش می پرسد:

ماهو: نظرت چیست؟

أَتَقْدِرُ: آیا می توانی عبور کنی یا نه؟

مَن: چه کسی راست می گوید؟ و چه کسی دروغ می گوید؟

ما أجاب: اسب کوچک درباره سوالش جواب نداد

لكنه: اما او بعد از دو دقیقه گفت:

البقرة تصدق: گاو راست می گوید و همچنین سنجاب
راست می گوید

البقرة كيرة: گاو بزرگ است و سنجاب کوچک

كل: هر کدام از آندو نظرش را می گوید.

فَهْمْتُ: موضوع را فهمیدم.

يَفْهَمُ: اسب کوچک سخن مادرش را می فهمد

وَيَذْهَبُ: و بسوی رودخانه می رود

وَيُشَاهِدُ: و گاو و سنجاب را مشغول جدل و ستیز می بیند.

الْبَقَرَةُ: گاو : من راست می گویم و تو دروغ می گویی.

السَّجَابُ: سنجاب: نه من راست می گویم و تو دروغ می گویی.

يَعْبُرُ: اسب به راحتی از آن رودخانه عبور می کند.

نَمَّ: سپس بر می گردد و از تجربه جدید خوشحال می شود

تَفَكَّرَ: یک ساعت فکر کردن بهتر است از هفتاد سال عبادت.

این درس درباره

صیغه اول: مفرد مذکر غایب

صیغه چهارم: مفرد مؤنث غایب

صیغه چهاردهم: متکلم مع الغیر

صیغه اول ضمیرش هُوَ و فعلش بر وزن يَفْعَلُ می آید.

صیغه چهارم ضمیرش هِيَ و فعلش بر وزن تَفْعَلُ می آید.

صیغه چهاردهم ضمیرش نَحْنُ و فعلش بر وزن نَفْعَلُ می آید

مفرد مذکر غایب

هُوَ يَكْتُبُ او می نویسد الْمُعَلِّمُ يَكْتُبُ معلم می نویسد.

مفرد مؤنث غایب

هِيَ تَكْتُبُ او می نویسد الْمُعَلِّمَةُ تَكْتُبُ معلم می نویسد.

مُتَكَلِّمٌ مَعَ الْغَيْرِ

نَحْنُ نَكْتُبُ ما می نویسیم.

الْفِعْلُ الْمُضَارِعُ ← (يَفْعَلُ ، تَفْعَلُ) ، (نَفْعَلُ)



تِلْكَ الْمَرْأَةُ تَنْفَعُ أُسْرَتَهَا.

آن زن به خانواده اش سود می رساند.



هَذَا الْوَلَدُ الصَّغِيرُ يَلْعَبُ بِسَيَّارَتِهِ.

این پسر کوچک با ماشینش بازی می کند.



نَحْنُ نَذْهَبُ إِلَى بَيْتِ اللَّهِ.

ما به خانه خدا می رویم.



نَحْنُ نَقْرَأُ الْقُرْآنَ.

ما قرآن می خوانیم.

به مقایسه فعل‌های عربی و فارسی زیر توجه کنید.

ترجمه	فعل مضارع	ترجمه	فعل ماضی
او انجام می‌دهد.	 هُوَ يَفْعَلُ. سوم شخص مفرد (مفرد مذکر غایب)	او انجام داد.	 هُوَ فَعَلَ. سوم شخص مفرد (مفرد مذکر غایب)
	 هِيَ تَفْعَلُ. سوم شخص مفرد (مفرد مؤنث غایب)		 هِيَ فَعَلَتْ. سوم شخص مفرد (مفرد مؤنث غایب)
ما انجام می‌دهیم.	  نَحْنُ نَفْعَلُ. اول شخص جمع (متکلم مع الغیر)	ما انجام دادیم.	  نَحْنُ فَعَلْنَا. اول شخص جمع (متکلم مع الغیر)
	  اول شخص جمع (متکلم مع الغیر)		  اول شخص جمع (متکلم مع الغیر)

يَ، تَ، نَ + فعل = يَفْعَلُ، تَفْعَلُ، نَفْعَلُ

از کجا بدانیم معنای «تَعْمَلُ» در دو جمله زیر چیست؟



هَذِهِ الْبِنْتُ تَعْمَلُ فِي الْمُخْتَبَرِ.

این دختر در آزمایشگاه کار می‌کند.

يَا نَجَّارُ، أَنْتَ تَعْمَلُ جَيِّدًا.

ای نجار، تو خوب کار می‌کنی.

جمله‌های زیر را ترجمه کنید.

۱. أَنْتَ تَجْلِسُ عَلَى الْأَرْضِ وَوَالِدُكَ تَجْلِسُ عَلَى الْكُرْسِيِّ.

تو روی زمین می نشینی و مادرت روی صندلی می نشیند.

۲. أُخْتِي تَقُولُ لِي: «يَا أَخِي، أَنْتَ تَقُولُ الْحَقُّ؟»

خواهرم به من می گوید: ای برادرم آیا تو حقیقت را می گویی؟

ساختار درس‌های دوم تا چهارم

عربی	فارسی	عربی	فارسی
أَنَا أَرْجِعُ.	من برمی‌گردم.	نَحْنُ نَرْجِعُ.	ما برمی‌گردیم.
أَنْتَ تَرْجِعُ. أَنْتِ تَرْجِعِينَ.	تو برمی‌گردی.	دُرُس‌های ۶ و ۷	شما برمی‌گردید.
هُوَ يَرْجِعُ. هِيَ تَرْجِعُ.	او برمی‌گردد.	دُرُس‌های ۸ و ۹	آنها برمی‌گردند.

حِوَارٌ بَيْنَ زَائِرَيْنِ فِي طَرِيقِ كَرْبَلَاءَ

الزَّائِرُ الْإِيرَانِيُّ: أَأَنْتَ تَعْرِفُ مَتَى نَصِلُ إِلَى كَرْبَلَاءَ؟

الزَّائِرُ الْعِرَاقِيُّ: نَعَمْ؛ بَعْدَ سَاعَةٍ. أَأَنْتَ جِئْتَ مِنْ إِيْرَانِ؟

الزَّائِرُ الْإِيرَانِيُّ: نَعَمْ؛ أَنَا مِنْ إِيْرَانِ.

الزَّائِرُ الْعِرَاقِيُّ: وَ مِنْ أَيِّ مَدِينَةٍ؟

الزَّائِرُ الْإِيرَانِيُّ: مِنْ مَدِينَةِ قُمْ. أَأَنْتَ جِئْتَ إِلَى إِيْرَانِ أَيْضاً؟

الزَّائِرُ الْعِرَاقِيُّ: نَعَمْ؛ جِئْتُ مَرَّتَيْنِ إِلَى إِيْرَانِ وَ شَاهَدْتُ الْمُدْنَ الْمُقَدَّسَةَ.

الزَّائِرُ الْإِيرَانِيُّ: كَيْفَ كَانَتْ سَفَرُتُكُمْ إِلَى إِيْرَانِ؟

الزَّائِرُ الْعِرَاقِيُّ: كَانَتْ طَيِّبَةً؛ لِأَنَّ الشَّعْبَ الْإِيرَانِيَّ شَعْبٌ مِضْيَافٌ.

گفتگویی میان زائرین در راه کربلا

زائر ایرانی : آیا تو می دانی کی به کربلا می رسیم؟

زائر عراقی : بله بعد از ساعتی , آیا تو از تهران آمدی؟

زائر ایرانی : بله من ایرانی هستم.

زائر عراقی : و از کدام شهری؟

زائر ایرانی : از شهر قم. آیا تو همچنین از ایران آمدی؟

زائر عراقی : بله دو بار به ایران آمدم و شهرهای مقدس را دیدم.

زائر ایرانی : سفرتان در ایران چگونه بود؟

زائر عراقی : خوب بود برای اینکه ملت ایران ملتی مهماندوست هستند.

الزائر الإيراني:  وَكَذَلِكَ الشَّعْبُ الْعِرَاقِيُّ شَعْبٌ مِضْيَافٌ.

الزائر العراقي:  الْحَمْدُ لِلَّهِ. أَتَذْهَبُ إِلَى كَرْبَلَاءَ؟

الزائر الإيراني:  نَعَمْ؛ أَنَا **أَمْشِي** مِنَ النَّجَفِ إِلَى كَرْبَلَاءَ.

الزائر العراقي:  أَنْتَ ضَيْفُنَا الْعَزِيزُ فِي مَوْكِبِ الْإِمَامِ الرُّضَا عليه السلام حَتَّى تَرْجِعَ.

الزائر الإيراني:  **طوبى** لِلشَّعْبِ الْعِرَاقِيِّ لِهَذِهِ **الضِّيَافَةِ**!

الزائر العراقي:  نَحْنُ فِي خِدْمَةِ **المُحِبِّينَ** لِأَهْلِ الْبَيْتِ عليهم السلام.

زائر ایرانی : و همچنین ملت عراق ملتی مهماندوست هستند.
زائر عراقی : شکر خدا. آیا به می روی؟

زائر ایرانی : بله از نجف تا کربلا راه می روم.
**زائر عراقی : تو مهمان عزیز ما در کاروان امام رضا (ع) هستی
تا برگردی.**

زائر ایرانی : خوشا بحال ملت عراقی برای این مهمانی.
زائر عراقی : ما در خدمت دوستداران اهل بیت (ع) هستیم.

ففى
امان
الله